Original Article Open Access



Child Rights Journal

2023; 5(18): 67-85

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

Fine Punishment for Juvenile Delinquents from the Perspective of Critical Penology

Mahdi Khaghani Esfahani[1], Sayyed Ali Khamoushian[2]✷

1. Department of Law and Jurisprudence, the Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.
2. Department of Criminal Law for Children and Adolescents, University of Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Fine is one of the common punishments in the penal system for adults and juveniles. Applying fines to adults has a long history and its effectiveness has been proven, but in the case of teenagers who often do not have enough source of income, the philosophy of imposing this punishment is questionable. However, some countries such as Iran prefer the merits of this punishment over its disadvantages and use it in the juvenile penal regulations. The disadvantages of monetary punishment on one hand and the vulnerability of teenagers and their special conditions on the other hand require the adoption of special methods to implement this punishment as optimally as possible. Iran's legal system does not differentiate between juveniles and adults in the implementation of fines. In this regard, the current research seeks to achieve the question that in Iran's legal system, which proposed method can help to implement fine fines for juveniles as much as possible and reduce as much as possible its disadvantages and legal and executive challenges.

Method: In this article, the Persian and English library and digital resources of recent years have been used, in order to recognize the right to the mental health of delinquent teenagers to receive a criminal response through the analysis of the fine punishment of juvenile delinquents from the perspective of critical criminology.

Results: It is discussed that among the existing methods in solving the disadvantages of monetary punishment, the daily monetary punishment method is in the category of criminal justice model and work and social services method. The alternative was discussed in the category of restorative justice model. Among these two methods, free work and social services method, as an alternative to imprisonment, besides being more compatible with the current legal regulations in Iran, is also more compatible with the principles and findings of criminology.

Conclusion: It is appropriate for the Iranian legislator to revise his philosophy in order to benefit from fines in response to the behavior of juveniles against the law, or to establish special regulations regarding the execution of fines for juveniles in order to reduce the implementation problems of this punishment as much as possible. Thus, the right of delinquent teenagers to enjoy reformation and rehabilitation, by receiving a criminal response in the form of community services, is provided better than traditional punishments; as same as the daily fine does not suffer from the problems of the traditional fine.

Keywords: Community Service; Restorative Justice; Mental Health of Juvenile Delinquents; Daily Fine

Corresponding Author: Sayyed Ali Khamoushian; **Email:** seyedalikhamooshian747@gmail.com

Received: March 29, 2023; **Accepted:** August 12, 2023

Please cite this article as:

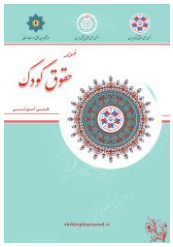
Khaghani Esfahani M, Khamoushian SA. Fine Punishment for Juvenile Delinquents from the Perspective of Critical Penology. Child Rights Journal. 2023; 5(18): 67-85.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی

دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۸۵-۶۷

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

تحلیل جزای نقدی نوجوانان بزهکار از منظر کیفرشناسی انتقادی

مهدی خاقانی اصفهانی[۱]، سیدعلی خاموشیان[۲*]

۱. گروه حقوق و فقه، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جزای نقدی از جمله مجازات‌های مشترک در نظام کیفری بزرگسالان و نوجوانان است. اعمال جزای نقدی بر بزرگسالان پیشینه مدیدی دارد و کارایی آن ثابت شده است، اما در خصوص نوجوانانی که غالباً منبع درآمد کافی ندارند، فلسفه وضع این کیفر محل سؤال قرار می‌گیرد. با این حال برخی از کشورها چون ایران محاسن این کیفر را بر معایب آن ترجیح داده و در مقررات کیفری نوجوانان از آن استفاده می‌کنند. معایب جزای نقدی از یکسو و آسیب‌پذیری نوجوانان و شرایط خاص آن‌ها از سوی دیگر، اتخاذ روش‌هایی ویژه برای اجرای هرچه بهینه‌تر این کیفر را ایجاب می‌کند. نظام حقوقی ایران در اجرای جزای نقدی، تفاوتی بین نوجوانان و بزرگسالان قائل نشده است. اینکه در نظام حقوقی ایران کدام روش پیشنهادی می‌تواند به اجرای هرچه بهتر جزای نقدی نوجوانان کمک کند و تا حد امکان از معایب و چالش‌های قانونی و اجرایی آن بکاهد، هدف مقاله است.

روش: برای تألیف این مقاله، از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالِ فارسی و انگلیسی سال‌های اخیر استفاده شده است تا از طریق تحلیل کیفر جزای نقدی نوجوانان بزهکار از منظر کیفرشناسی انتقادی، حق بر سلامت روانی نوجوانان بزهکار در دریافت پاسخ کیفری بازشناسی شود.

یافته‌ها: از میان روش‌های موجود در رفع معایب اجرایی جزای نقدی، روش جزای نقدی روزانه در دسته الگوی عدالت کیفری و روش کار و خدمات اجتماعی جایگزین در دسته الگوی عدالت ترمیمی بحث و بررسی شد. از میان این دو روش، خدمات اجتماعی رایگان، به مثابه یک جایگزین کیفر حبس، علاوه بر اینکه با مقررات قانونی فعلی در ایران سازگارتر است، با اصول و یافته‌های جرم‌شناسی نیز هماهنگی بیشتری دارد.

نتیجه‌گیری: شایسته است قانونگذار ایران در فلسفه خود جهت بهره‌گیری از جزای نقدی در پاسخ به رفتارهای معارض با قانون نوجوانان تجدید نظر کند یا مقررات ویژه‌ای در خصوص اجرای جزای نقدی نوجوانان وضع نماید تا بتواند از مشکلات اجرایی این کیفر تا حد امکان بکاهد. بدین‌سان، حق نوجوانان بزهکار به برخورداری از اصلاح و بازپروری، با دریافت پاسخ کیفری از نوع خدمات اجتماعی رایگان، بهتر از کیفرهای سنتی تأمین می‌شود؛ جزای نقدی روزانه نیز از عیوب جزای نقدی سنتی از این حیث مبراست.

واژگان کلیدی: خدمات عمومی رایگان؛ عدالت ترمیمی؛ سلامت روان نوجوانان بزهکار؛ جزای نقدی روزانه

نویسنده مسئول: سیدعلی خاموشیان؛ **پست الکترونیک:** seyedalikhamooshian747@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Khaghani Esfahani M, Khamoushian SA. Fine Punishment for Juvenile Delinquents from the Perspective of Critical Penology. Child Rights Journal. 2023; 5(18): 67-85.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

مقدمه

هدف عمده از واکنش‌های کیفری، سامان‌دادن به نظم اجتماعی و بازگرداندن وضع به حالت سابق است که از طریق ارتکاب جرم دچار اختلال شده است. به تدریج در هر دوره و با پیشرفت زندگی بشر، افزایش امکانات زندگی و پیچیده‌ترشدن روابط اجتماعی، جرائم از نظر نوع، کم و کیفیت گسترده‌تر شده و در طیف وسیعی قرار گرفتند که این امر واکنش‌های متنوع و متناسب با هر نوع خاص از جرائم را اقتضا کرده است. در روزگاری حقوق کیفری کارکردی صرفاً تنبیهی داشت، اما به مرور، افکار تازه با احتیاجات نوین، نوع کیفرها را دگرگون ساخت، به نحوی که از خشونت‌های سابق تا حدی کاسته شد و کیفرها همچون جرائم تنوعی چشم‌گیر پیدا کردند. با رشد وضعیت اقتصادی و ارزشمندشدن مالکیت فردی، مجازات‌های مالی که یکی از مصادیق مهم آن، جزای نقدی است، وارد زرادخانه کیفری شد، چراکه آسیب‌های زندان را نداشت و در مقابل برای دولت‌ها یک منبع درآمد محسوب می‌شد.

جزای نقدی، به صور و شکل‌های مختلف در مقابله با بسیاری از جرائم و تخلفات به کار می‌رود و در نظام‌های کیفری ملل مختلف، نمونه‌ها و مصادیق بسیاری بر این سابقه دلالت دارند. در نظام حقوقی ایران نیز از دیرباز تا به امروز اشکال مختلفی از محکومیت‌های مالی و جزای نقدی دیده می‌شود. به تدریج، جزای نقدی وارد نظام عدالت کیفری نوجوانان شد و بسیاری از کشورها، از جمله ایران این مجازات را به عنوان پاسخی در برابر رفتارهای خلاف قانون نوجوانان برگزیدند. وضع جزای نقدی بر نوجوانان معارض با قانون با چالش‌ها و ابهاماتی همراه شد. برای مثال، چه توجیهی می‌توان از نظر فلسفه کیفر برای تعیین کیفر جزای نقدی برای نوجوانی که درآمدی ندارد و از نظر قانونی کار او نیز با محدودیت رو به رو است، یافت؟ در صورتی که نوجوان از پرداخت جزای نقدی خودداری نماید، چه ضمانت اجرایی می‌توان بر او بار نمود؟ چه روش‌هایی برای افتراقی‌سازی پرداخت جزای نقدی می‌توان یافت که مشکلات اجرایی اعمال این کیفر را کاهش دهد؟ هر آینه، نوجوانان بزهکار به مثابه یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های بشریِ برخوردار از حق سلامت روان، در صورت دریافت واکنش کیفریِ بازپرورانه (کیفر خدمات عمومی رایگان، به جای کیفرهای سنتیِ غیر اصلاح‌گر) از ناحیه نظام عدالت کیفری مورد خدشه روانی و آسیب روانی از تحمل کیفرهای کلاسیکِ سزاگرا قرار نمی‌گیرند. همچنین محکومیت به کیفر جزای نقدی روزانه، آرامش روانی نوجوانانِ محکومیت‌یافته به این مجازات را مخدوش نمی‌کند و آنان را به اضطراب پرداخت یک جا و نامتناسب جزای نقدیِ سنتی نمی‌افکند.

در این پژوهش، ابتدا جزای نقدی نوجوانان از منظر فلسفه تعیین کیفر بررسی شده است، سپس روش‌های رفع معایب جزای نقدی نوجوانان در قالب دو الگوی عدالت کیفری و عدالت ترمیمی تشریح شده است. در نهایت، ضمن بررسی وضعیت جزای نقدی نوجوانان در نظام حقوقی ایران و مطالعه تطبیقی از مقررات مرتبط در آفریقای جنوبی، پیشنهادات لازم جهت برون‌رفت از مشکلات اجرایی این کیفر در نظام حقوقی ایران ارائه گردیده است.

۱. پیشینه پژوهش: در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی با موضوع مزایا و معایب جزای نقدی، انواع جزای نقدی، خصائص جزای نقدی و شیوه‌های اجرا و وصول آن نگارش پیدا کرده است. برای نمونه، می‌توان به پایان‌نامه «جزای نقدی در حقوق کیفری ایران» اثر مسعود حیدری در سال ۱۳۹۵ (۱)، پایان‌نامه «مبانی کیفرشناختی جزای نقدی در قانون مجازات اسلامی» اثر عبدالله جوینده در سال ۱۳۹۲ (۲)، مقاله «بررسی مجازات جزای نقدی از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

منظر فقه اقتصادی» اثر یعقوب علیزاده در سال ۱۴۰۱ (۳) و مقاله «بررسی تقسیط کیفر جزای نقدی در نظام حقوقی ایران» اثر بیژن نجفی در سال ۱۳۹۶ (۴) اشاره کرد. در تمام پژوهش‌های اخیر جزای نقدی و ویژگی‌های آن در دادرسی بزرگسالان مطمح نظر بوده و بررسی جایگاه این کیفر در عدالت نوجوانان مغفول مانده است. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مزایا، معایب و شیوه‌های رفع معایب جزای نقدی» اثر علی جانی‌پور و اکبر امیری در سال ۱۳۹۴ (۵)، مقاله «چالش جزای نقدی و جایگزین‌های آن در جرائم اطفال» اثر محمود سرخه و همکاران در سال ۱۳۹۶ (۶)، صرفاً به صورت نظری به شیوه‌های رفع معایب جزای نقدی اشاره شده و این شیوه‌ها در بستر قوانین جزایی در جهت رفع ایرادات اجرایی مورد بحث جدی و مفصل قرار نگرفته است، اما پژوهش حاضر، با تأکید بر دادرسی نوجوانان، مجازات جزای نقدی را در مرحله تعیین و اجرای آن در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و ضمن بهره‌گیری از قوانین و مقررات موجود و تجربه سایر نظام‌های حقوقی، به ارائه راهکار برای حل مسائل پیش رو می‌پردازد. از این منظر این پژوهش دارای نوآوری است.

در پژوهش حاضر، کیفیت اجرای جزای نقدی در دادرسی نوجوانان بررسی و واکاوی می‌شود. به منظور چنین تحلیلی لازم است ویژگی‌ها و اهداف این کیفر با اوضاع و احوال نوجوانان ارزیابی شود. حقوقدانان هدف از جزای نقدی را تنبیه و آگاه‌ساختن و همچنین ترسانیدن و ایجاد بازدارندگی دانسته و توصیه بر آن است که در جرائم غیر عمدی و یا جرائم کم‌اهمیت عمدی اعمال شود. به نظر می‌رسد که امروزه یکی از علت‌های مهم توسعه جزای نقدی، گسترش تئوری‌های خودداری از خشونت علیه بزهکاران و یا کاستن از معایب مجازات‌ها چون حبس است. جنبش دفاع اجتماعی با اجتناب از مجازات زندان و حذف خشونت در جهت انسانی‌کردن حقوق کیفری رغبت به سوی جزای نقدی پیدا کرده است (۷). ماده ۱۸ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات بیجینگ (U.N. Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (Beijing Rules)) و بند ۲ ماده ۸ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد ناظر بر تدابیر جایگزین حبس (قواعد توکیو (U.N. Standard Minimum Rules for Non-Custodial Measures (Tokyo-Rules))، کشورها را به استفاده از جزای نقدی در قوانین کیفری ترغیب کرده‌اند. نوجوانان، به سبب قرارداشتن در بازه سنی خاص و برخورداری از نیازها و توقعات ویژه و به دلیل حساسیت و شکنندگی بسیار به خصوص از بُعد عاطفی و روانی، نیازمند توجه خاص هستند. این امر، اقتضای اتخاذ رویکردی افتراقی در مواجهه با نوجوانان معارض با قانون دارد که این رویکرد برگرفته از اصل افتراقی‌سازی دادرسی اطفال و نوجوانان است. مستندات این اصل، ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک (Convention on the Rights of the Child, 1989) و ماده ۵ مقررات بیجینگ است.

طبق توصیه اسناد بین‌المللی فوق‌الذکر، نوجوانان مزبور باید در فرآیند دادرسی علاوه بر برخورداری از حقوق دفاعی بزرگسالان از قبیل اصل برائت، قانونی‌بودن دادرسی، منع شکنجه‌های جسمی ـ روانی، حق اعتراض به آرای دادگاه‌ها، اصل منع مجازات مضاعف و اصل دودرجه‌ای‌بودن رسیدگی، به لحاظ شرایط ویژه آسیب‌پذیری آنان باید از امتیازات ویژه حقوق دفاعی دیگر از قبیل رعایت اصل تأمین بهترین منافع، لزوم تشکیل مرجع قضایی مستقل، دارابودن پلیس و قاضی ویژه متخصص در حوزه دادرسی کودک و نوجوان، لزوم حضور مشاوران جرم‌شناس، علوم اجتماعی و روان‌شناسی به هنگام رسیدگی به اتهام، توسعه استفاده از پرونده

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

شخصیت، توسعه حق داشتن وکیل تسخیری و... برخوردار باشند (۸). کیفر جزای نقدی روزانه از ین حیث جزء تأسیسات ارفاقی بر نوجوانان بزهکار محسوب می‌شود، اما با چالش‌هایی مواجه است که در ادامه بحث می‌شود.

با این توضیحات، برای اجرای جزای نقدی بر نوجوانان باید سیاست ویژه‌ای متناسب با شخصیت و اوضاع و احوال آن‌ها در نظر گرفت. غالب تدابیر و پاسخ‌های کیفری را می‌توان در قالب دو الگوی عدالت کیفری و عدالت ترمیمی تعریف کرد. هر یک از دو الگوی یادشده سیاست‌های خاص به خود را دنبال می‌کنند که باید با توجه به شرایط و وضعیت نوجوان تدابیر یکی از این الگوها را بر دیگری ترجیح داد. برای انتخاب بهترین الگو و شیوه اجرای جزای نقدی طبق ماده ۳ پیمان‌نامه حقوق کودک بایستی همواره مصالح عالیه کودکان را در نظر داشت و بر محور این اصل تصمیم‌گیری کرد. علاوه بر این، برخی اصول حاکم بر حقوق کیفری چون اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، اصل شخصی‌بودن مجازات‌ها، اصل فردی‌کردن مجازات و اصل تساوی مجازات‌ها در این مسیر مبنا قرار می‌گیرند.

مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم نوجوانان، تحت تأثیر آموزه‌های عدالت ترمیمی، گونه‌های نسبتاً نوپدیدی از واکنش جزاییِ بازپرورانه و انسان‌مدار هستند که با توجه به جرم ارتکابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار ناشی از ارتکاب جرم توسط دادگاه تعیین و با مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجتماع، شامل اقداماتی از قبیل اعمال دوره مراقبت، اقامت در منزل، نگهداری در روزهای پایان هفته، نظارت الکترونیک، خدمات عمومی رایگان و نهادهای ارفاقی مانند تعویق صدور حکم، ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، بایگانی‌کردن پرونده، معافیت از کیفر، میانجی‌گری کیفری، تعلیق مجازات، نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط هستند و کاربست آن‌ها بر نوجوانان بزهکار موجب پیشگیری از تورم جمعیت کیفری و تحمیل آسیب‌های ضرربار کیفر حبس بر این قشر آسیب‌پذیر ـ اگرچه حتی بزهکارِ جسور ـ می‌شود.

توجه به سلامت روان کودکان و نوجوانان یکی از محورهای اصلی افتراقی‌سازی نظام کیفری است و در گرو تحول ساختار، کنش‌گران و پاسخ‌های حمایتی است. «نظام عدالت کیفری اطفال دارای ظرفیت‌هایی است که در راستای به رسمیت‌شناختن حق بر سلامت روان این دسته از مخاطبان حقوق کیفری می‌باشد. به کارگیری کنش‌گران آموزش‌دیده، حضور مشاور در فرایند پاسخ‌دهی، حق بر تشکیل پرونده شخصیت، فردی‌سازی پاسخ‌ها و حضور خانواده در مرحله پاسخ‌دهی مصادیقی از ظرفیت‌های موجود می‌باشد» (۹). فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری که یکی از ظرفیت‌های پیش‌گفته است، در قالب گذار رویه قضایی دادگاه‌های اطفال و نیز دادگاه‌های کیفری ۲ یا انقلاب (به ویژه در جرائم مواد مخدر بالغانِ کمتر از ۱۸ سال) از تعیین کیفر جزای نقدی روزانه به سمت تعیین کیفر جزای نقدی روزانه، می‌تواند سلامت روان نوجوانان و جوانانِ مرتکب جرائم ـ که خود در معرض بزه‌دیدگیِ احتمالی از احکام نامتناسب قضایی هستند ـ را بهتر تأمین کند. گرچه «یافته‌ها نشان می‌دهد علاوه بر به‌رسمیت‌شناختن حق سلامت کودک و حفاظت از او در برابر مخاطرات احتمالی، قوانین ایران حق کودکان آسیب‌پذیر را به حمایت‌های ویژه محترم شمرده است و نیز آنکه در راستای حفاظت کودکان ایرانی از مخاطرات و سوءاستفاده‌های احتمالی، قوانین مختلف بازدارنده و تنبیهی تدوین شده است و این قوانین در بسیاری از مواقع، مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری است» (۱۰)، اما تلاش قضایی برای عدم

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

صدمه مجازات به روانِ نوجوانان بزهکار، سطح بالاتری از استاندارد عدالت کیفری را می‌طلبد که آن همانا فرارفتن از مرّ قانون به سمت انصاف و اخلاق روان‌شناختیِ کیفرگزینی است.

روش

برای تألیف این مقاله، از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالِ فارسی و انگلیسی سال‌های اخیر استفاده شده است تا از طریق تحلیل کیفر جزای نقدی نوجوانان بزهکار از منظر کیفرشناسی انتقادی، حق بر سلامت روانی نوجوانان بزهکار در دریافت پاسخ کیفری بازشناسی شود.

یافته‌ها

۱. امکان اجرای جزای نقدی نوجوانان بر اساس اهداف کیفر: جریمه یا جزای نقدی به عنوان یکی از نخستین مجازات‌ها در طول تاریخ به شکل‌های مختلف ـ یک مجازات مستقل یا در ترکیب با سایر مجازات‌ها ـ در واکنش به بسیاری از جرائم اعمال می‌شده است و در نظام‌های کیفریِ کشورهای مختلف، نمونه‌های بسیاری بر این پیشینه دلالت می‌کنند. استقبال از جزای نقدی گونه‌های مختلفی از آن ایجاد نمود و محدوده اعمال آن نیز در حصر بزهکاری بزرگسالان نمانده و به واکنشی علیه بزهکاری نوجوانان تبدیل شد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی مهم از جمله انگلستان، کانادا، اتریش و هلند این کیفر در قوانین جزایی نوجوانان جای گرفت (۱۱). نظام حقوقی ایران نیز این سیاست را در پیش گرفت، چنانکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جزای نقدی جزء واکنش‌های مشترک بین نوجوانان و بزرگسالان است و در ماده ۸۹ این قانون، برای نوجوانان پانزده تا هجده سال تمام شمسی و در جرائم ارتکابی درجه پنج تا هشت، جزای نقدی پیش‌بینی شده است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرایی تأکید دول مختلف و اسناد بین‌المللی بر اعمال جزای نقدی بر نوجوانان ناشی از چه سیاست‌هایی است؟ یا به عبارتی، چه توجیهی می‌توان از نظر فلسفه کیفر برای تعیین کیفر جزای نقدی برای نوجوانان معارض با قانون یافت؟ در پاسخ به این سؤال، ذکر مزایایی از جزای نقدی لازم به نظر می‌رسد که آن را در مقایسه با سایر کیفرها به خصوص زندان متمایز کرده است. نخست، باید به بازدارندگی خاص جزای نقدی اشاره کرد، به طوری که مرتکب هیچ‌گاه به اجرای این مجازات خو نگرفته و به آن عادت نمی‌کند (۲).

جزای نقدی در روزگار مادی و ماشینی فعلی که پول نقش مهمی در همه شئون زندگی انسان بازی می‌کند، می‌تواند از مجازات‌های بازدارنده‌ای باشد که به تناسب اهمیت جرم و وضعیت مرتکب تعیین می‌شود، بدین‌منظور، جزای نقدی در پیشگیری از جرائمی که انگیزه مرتکب کسب سود و ثروت‌اندوزی است، کارآمدتر از سایر مجازات‌ها است و چون نوجوانان غالباً مرتکب سرقت‌های خرد و جرائم مالی می‌شوند را می‌توان با استفاده از این ابزار تا حدودی کنترل کرد (۴). جزای نقدی برخلاف محیط زندان، فاسدکننده، آسیب‌زا و پرخطر نیست (۱۲). همچنین این مجازات، علاوه بر زودگذر و مفیدبودن، ننگ‌آور و برچسب‌زننده نیست و مرتکب را از بهره‌مندی از محیط خانواده، تحصیل و زندگی محروم نمی‌سازد، به علاوه، درآمدزایی جزای نقدی برای خزانه دولت‌ها، انگیزه‌ای برای وضع این مجازات شده است. از طرف دیگر، در ضمن مزایای اخیر، چالش‌ها و معایبی نیز قابل ملاحظه می‌باشد که با این وجود، کارآمدی جزای نقدی بر نوجوانان، محل تردید جدی است. یکی از مهم‌ترین

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

معایب جزای نقدی، نقض‌شدن اصل بنیادین شخصی‌بودن مجازات‌ها در عرصه حقوق کیفری است و به همین سبب بر خویشان و بستگان مرتکب اثرگذار است و وضعیت معیشت آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (۲). برای نمونه، بسیاری از نوجوانان به دلیل نداشتن شغل و منبع درآمدی، قادر به پرداخت جزای نقدی نیستند و در نهایت والدین‌شان باید این بار مالی را بر عهده بگیرند (۱۳)، در نتیجه با نقض اصل شخصی‌بودن مجازات‌ها و پرداخت جزای نقدی نوجوان توسط والدین و سرپرستان وی، اثر بازدارندگی مجازات برای فرد متمرد از قانون از بین رفته و عملاً فلسفه وضع مجازات‌ها زیر سؤال می‌رود. در واقع، می‌توان مهم‌ترین و چالشی‌ترین عیب وارد بر جزای نقدی نوجوانان را عدم تناسب این کیفر با وضعیت مالی نوجوان و ناتوانایی وی در پرداخت دانست (۶)، البته در برخی کشورها چون انگلستان رویه متفاوت است، به طوری که پرداخت جزای نقدی شخص زیر ۱۸ سال با والدین یا سرپرست او خواهد بود، مگر اینکه دادگاه متقاعد شود که والدین یا سرپرست در دسترس نیستند یا صدور چنین حکمی با توجه به شرایط مالی سرپرست، منطقی به نظر نمی‌رسد (۱۴). جزای نقدی در بسیاری از موارد به دلیل نابرابری سطح درآمد و منابع مالی افراد، با اصل تساوی مجازات‌ها در تضاد بوده و عادلانه نیست. همچنین اجرای آن حتمیت ندارد و به همین منظور ممکن است شخص ناتوان از پرداخت جزای نقدی، محکوم به مجازات‌های سالب آزادی گردد. مضاف بر این، به کاربستن جزای نقدی برای نوجوانان با برخی مواد و مقررات نظام داخلی ایران نیز در تعارض است. برای مثال، طبق مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۱۰ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۰۳، شخص برای تصرف در اموال خود باید به بلوغ و رشد مدنی رسیده باشد. می‌توان از اطلاق این مقررات چنین نتیجه گرفت که جزای نقدی نیز نوعی تصرف در اموال است و متصرف باید عاقل، بالغ و رشید باشد، در حالی که نوجوانِ موضوع ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، به این سطح از تکامل نرسیده و مستقلاً نمی‌تواند جزای نقدی را از اموال خود پرداخت نماید (۱۵). همچنین طبق مواد ۸۰ تا ۸۴ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، کار نوجوانان منوط به رعایت ضوابط و اصولی ویژه‌ای است و از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار می‌باشد، بدین‌منظور به جهت حفظ سلامت و امنیت نوجوان و تأمین هرچه بیشتر حقوق وی از جمله حق بر آموزش و حق بر تفریح، نباید آن‌ها را به کارکردن تشویق و ترغیب نمود که از این منظر وضع جزای نقدی بر نوجوانان عملاً آن‌ها را به دلیل نداشتن ذخیره مالی، وادار به کارکردن و کسب دستمزد می‌کند.

بنابراین در ارزیابی محاسن و معایب جزای نقدی به این جمع‌بندی می‌رسیم که جزای نقدی به دنبال تأمین اهدافی چون ارعاب و بازدارندگی، سزادهی، جلوگیری از تکرار جرم و در نهایت اصلاح و درمان مرتکب است که این اهداف معمولاً در خصوص نوجوانان و به ویژه در حقوق ایران به منصه ظهور نمی‌رسد، چراکه با توجه به گفته‌های اخیر، حکم به جزای نقدی برای نوجوانی که توان پرداخت آن را ندارد و زمینه و زیرساخت پرداخت آن در قانون پیش‌بینی نشده است، او را در بند مجازات‌های سالب آزادی دچار می‌کند یا والدین و اطرافیان وی محکوم به پرداخت این هزینه می‌شوند که در فرض اول، دستیابی به اصلاح و بازپروری نوجوان دشوارتر می‌شود و پاسخ‌دهی، بیشتر جنبه تنبیهی به خود می‌گیرد و در فرض دوم، اثر بازدارندگی کیفر به کلی از میان رفته و حتی نوجوان را برای ارتکاب مجدد جرم جری‌تر می‌کند، زیرا فرد به این باور می‌رسد که اگر جرمی مرتکب شود، هزینه‌های آن را دیگران پرداخت نموده و او به راحتی از بار مسئولیت شانه خالی می‌کند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

با همه این اوصاف، گویا قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، محاسن جزای نقدی نوجوانان را بر معایب آن مرجح دانسته و آن را در دادرسی نوجوانان به کار می‌بندد.

۲. راهکارهای آسیب‌زدایی حقوقی از کیفر جزای نقدی نوجوانان: از میان روش‌های مختلفی که برای رفع معایب جزای نقدی و بهبود کارایی آن وجود دارد، دو روش ذیل متداول‌تر است و می‌توان در یک دسته‌بندی کلی هر روش را در یکی از الگوهای عدالت کیفری یا عدالت ترمیمی تعریف کرد. در ادامه، به بحث و بررسی هر یک از این روش‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۱. جزای نقدی روزانه: جزای نقدی روزانه شیوه‌ای نوین و نزدیک به آموزه‌های عدالت کیفری است. مدل عدالت کیفری (Criminal Justice System) یک مدل تلافی‌جویانه، انتقام‌جویانه و مقابله به مثل است (۱۶). در این الگو برای اعاده وضع به حالت سابق و یا جلوگیری از تکرار مجدد جرم در آینده، مرتکب بایستی مورد تنبیه و مجازات قرار گیرد. جزای نقدی نیز در دسته مجازات‌ها جای می‌گیرد و نظام‌های حقوقی متعدد از این کیفر در راستای اجرای اهداف مدل عدالت کیفری بهره می‌جویند و از این طریق مجریِ عدالت هستند. این نوع جزای نقدی، مجازاتی جایگزین برای زندان و یا جزای نقدی سنتی محسوب می‌شود و با توجه به اوضاع و احوال مربوط به بزه ارتکابی و نیز میزان درآمد و مخارج فرد متخلف از قانون به صورت روزانه تعیین می‌گردد. در واقع، جزای نقدی سنتی و ثابتی که استطاعت و توانایی مالی مرتکب یا عدم توانایی وی را لحاظ نمی‌کرد، جزای نقدی روزانه با ملحوظ نظر قراردادن درآمد و استطاعت مالی مرتکب تعیین می‌گردد (۷). با به کارگیری جزای نقدی روزانه، معایبی چون عدم حتمیت اجرای حکم، پرداخت از طرف شخص ثالث، غیر عادلانه‌بودن و عدم رعایت اصل تساوی مجازات‌ها برطرف و گام بلندی در راستای فردی‌کردن مجازات‌ها برداشته می‌شود. همچنین اثر ارعابی و تربیتی آن بر فرد بیشتر است و مانع از اعزام افراد ناتوان از پرداخت جزای نقدی به زندان می‌گردد (۳). به علاوه اینکه در حکم به پرداخت جزای نقدی روزانه، غالب جریمه‌ها پرداخت می‌شود و به دنبال آن اعتبار دستگاه قضایی به خاطر ایجاد احکام مؤثر و کارآمد افزایش می‌یابد (۱۷).

اندیشه شکل‌گیری جزای نقدی روزانه به طور کلی برای نخستین‌بار در کشور فنلاند در سال ۱۹۲۱ ایجاد شد. دلیل ایجاد این نوع جزای نقدی مربوط به کاهش سریع ارزش پول کشور فنلاند و قابلیت تطبیق آسان این مجازات با تغییرات ناشی از تورم بود. به تدریج کشورهای آلمان و اتریش در سال ۱۹۷۵، مجارستان در سال ۱۹۷۸، فرانسه و پرتغال در سال ۱۹۸۳ و انگلستان در سال ۱۹۹۱ نظام جزای نقدی روزانه را پذیرفتند (۱۸).

در نظام حقوقی ایران، جزای نقدی روزانه تنها به عنوان جایگزین حبس بزرگسالان در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده و در ماده ۸۵، چگونگی استفاده از آن شرح داده شده است. از جمله انتقادات وارد بر جزای نقدی روزانه، اجرای زمان‌بر آن و تشخیص دشوار میزان درآمد و دارایی پرداخت‌کننده است، چه‌بسا اینکه اگر منبع دادگاه برای شناخت وضعیت مالی مرتکب، گزارش او باشد، گاهی این گزارش ممکن است عمداً یا سهواً خلاف واقعیت باشد، به ویژه در جایی که شخص، شاغل در حوزه کارهای آزاد است، راستی‌آزمایی درآمد فرد پرهزینه و نیازمند زمان کافی است، لذا در راستای بهره‌گیری مناسب از ظرفیت این نهاد و کارایی بیشتر آن، ضرورت دارد قانونگذار سازوکار مشخصی جهت شناسایی درآمد محکومین در اختیار قاضی قرار داده و وظایف دستگاه‌های اجرایی را که به هر

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

نحو اطلاعی از درآمد و حقوق محکومین دارند، مشخص نماید تا در صورت لزوم موظف به همکاری با دستگاه قضایی شوند (۱۹). به نظر می‌رسد این چالش بیشتر در خصوص بزهکاران بزرگسالی که معمولاً با شغل و درآمد حاصل از آن امرار معاش می‌کنند، قابل طرح است و در مورد نوجوانی که یا شغل معینی ندارد و یا از طریق شغل ساده‌ای کسب درآمد می‌کند، مسأله‌ساز نیست.

۲-۲. خدمات اجتماعی جایگزین: مقصود از کار و خدمات اجتماعی جایگزین، کار و ارائه خدمات توسط مرتکب با توجه به ارزش محکومیت مالیِ او برای قربانی یا جامعه است که در جزای نقدی به دلیل واریز مبلغ محکومیت به خزانه دولت، فعالیت و کار اجتماعی به نفع جامعه انجام می‌گیرد (۲۰). با توجه به چنین تعریفی، می‌توان این روش اجرایی را در دسته شیوه‌های اجرای عدالت ترمیمی قرار داد. الگوی عدالت ترمیمی (Restorative Justice System) برخلاف الگوی عدالت کیفری غالباً بزه‌دیده‌محور است و به جای پرداختن به نظریه‌هایی چون اجرای عدالت، نقض قواعد اخلاقی و چگونگی جبران آن، به بزه‌دیده و جامعه می‌اندیشد (۲۱). در این مدل، همه سهامداران اصلی جرم از قبیل بزهکار، بزه‌دیده و جامعه محلی در حل و فصل اختلاف نقش فعالی دارند، بدین‌منظور اساسی‌ترین رسالت عدالت ترمیمی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری بزهکار و تشویق وی به درک اشتباه خود، جبران ضرر و زیان بزه‌دیده و جامعه به عنوان متأثر از جرم است (۲۲). به منظور وجود چنین قابلیت‌هایی در الگوی عدالت ترمیمی، سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ با تصویب قطعنامه «اصول بنیادین استفاده از برنامه‌های ترمیمی در امور کیفری (Basic Principles on the Use of Restorative Justice Programs in Criminal Matters)» بر ضرورت استفاده از برنامه‌های ترمیمی در امور کیفری به ویژه نسبت به اطفال و نوجوانان معارض با قانون تأکید نموده است (۲۳).

از میان طرفداران روش کار و خدمات اجتماعی جایگزین در سطح بین‌المللی، در ادامه یکی از نظام‌های حقوقی مجری این شیوه معرفی می‌شود. در ماده ۷۴ قانون عدالت کیفری اطفال آفریقای جنوبی مصوب سال ۲۰۰۸ (Child Justice Act, 2008) ضمن پذیرش جزای نقدی یا جایگزین‌های آن، جبران خسارت نمادین (Symbolic Restitution) نیز به جای پرداخت مبلغی معین پیش‌بینی شده است (۱۱). بازپرداخت نمادین جلوه‌ای از کار و خدمات اجتماعی است. در صدر ماده اخیر، به لزوم تناسب میان جزای نقدی با بزه ارتکابی و وضعیت مرتکب تأکید شده است. قاضی دادگاه مکلف شده که پیش از حکم به جزای نقدی در خصوص توانایی طفل در پرداخت جزای نقدی تحقیق کند و این ملاحظه را داشته باشد که طفل ممکن است در صورت عدم پرداخت جزای نقدی، زندانی شود. در بند دوم ماده مورد بحث، جایگزین‌های مقرر برای جزای نقدی، قاضی را در تعیین یک پاسخ متناسب یاری می‌دهد و تا حد امکان از بروز معایب و چالش‌های اعمال جزای نقدی بر نوجوانان پیشگیری می‌کند. علاوه بر بازپرداخت نمادین، جایگزین‌های مقرر در ماده محصور نشده‌اند و قاضی مجاز است تا با توجه به شرایط موجود، تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در بند سوم ماده، به وجود یک افسر نظارتی اشاره شده که مکلف به نظارت بر اجرای تصمیمات دادگاه و جایگزین‌های اعمال شده و اعلام میزان پایبندی طفل به اجرای حکم یا پیشرفت‌های حاصله است. همچنین دادگاه باید برای پایبندی هرچه بیشتر طفل به اجرای حکم، به وی هشدار دهد که عدم اجرای حکم موجب بازگردانده‌شدن او به دادگاه و اتخاذ تصمیم مقتضی می‌شود. چنانچه طفل طبق گزارش‌های افسر نظارتی نتوانست جزای نقدی مقرر

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

را بپردازد یا از اجرای جایگزین‌های آن سرباز زد، طبق ماده ۷۹ قانون عدالت کیفری اطفال، مجدداً به دادگاه اعزام می‌شود تا دادگاه حکم وی را تأیید، اصلاح یا جایگزین نماید.

در رویه قضایی ایران، گروهی از قضات اقبال ویژه‌ای به صدور آرای ترمیمی دارند و گروه دیگری همچنان سنت‌گرا و نامتمایل به سیاست جنایی قضاییِ افتراقیِ حمایتی و لذا طرفدار رویکرد تنبیهی به کودکان بزهکار هستند. استدلال گروه نخست، همسویی تدابیر ترمیمی با دستاوردهای جرم‌شناسی و سازگاری با موازین حقوق بشر است. حال آنکه گروه دوم باورمندند که جایگزین‌های کیفر حبس صرفاً نوعی تدابیر اصلاحی هستند که نابازدارنده و فاقد کارکرد تأدیبی بر اطفال متهوّر و ضد اجتماعی هستند (برای مطالعه تفصیلی درباره ادله موافقان و مخالفان کیفرهای ترمیمی بر نوجوانان بزهکار، بنگرید به: (۲۴)). مخالفان محدود به سزاگرایان نیستند و حتی برخی حامیان کیفرشناسیِ بازپررانه و عدالت ترمیمی معتقدند «افراط در مجازات جایگزین حبس، بدون در نظرگرفتن بسترهای خانوادگی، محیط زندگی و شرایط اقتصادی یک نوجوان، نوعی رهاکردن وی در شرایط ناامن موجود در زندگی‌اش است که او را به سمت بزهکاری سوق داده بود و اکنون بار دیگر به همین محیط سپرده می‌شود که چه‌بسا منتج به وقوع جرائمی جدی و مزمن‌شدن بزهکاری در وی گردد» (۲۵)؛ در چنین مواردی، آرامش و انضباط نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و مؤسسات تربیتی بر این قبیل اقدامات ترجیح دارد.

۳. جایگاه و نحوه اجرای جزای نقدی نوجوانان در نظام حقوقی ایران: در پیش از انقلاب اسلامی، در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، جزای نقدی بیشتر با عنوان غرامت مطرح شده و در مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ این قانون به ترتیب، مجازات‌های مقرر برای جنحه مهم، جنحه کوچک و خلاف، غرامت بوده است.

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، برای نخستین‌بار از اصطلاح جزای نقدی استفاده کرد و در ماده ۹، مجازات جنحه و خلاف را جزای نقدی قرار داد (ماده ۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲: «مجازات‌های اصلی جنحه به قرار زیر است: ۱ـ حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه سال؛ ۲ـ جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا»). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین قانون مجازات مصوب، قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ است که با رویکردی کاملاً شرعی به کیفرها توجه کرده و به جای استفاده از ظرفیت‌های جزای نقدی، غالباً از حبس و شلاق در قبال جرائم تعزیری بهره می‌برد، اما بعدها با تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاه‌برداری مصوب ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و سپس در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، ترغیب قانونگذار به اعمال جزای نقدی دیده می‌شود. سرانجام در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، به کارگیری جزای نقدی در قانون به اوج خود می‌رسد. در حال حاضر و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز جزای نقدی در دسته مجازات‌های اصلی تعزیری اشخاص حقیقی و حقوقی است که در مواد ۱۹ و ۲۰ این قانون پیش‌بینی شده است. مطابق گفته‌های پیشین، جزای نقدی برای بزرگسالان و افراد بالای هجده سال، سابقه نسبتاً طولانی در قوانین جزایی ایران دارد، اما پیش‌بینی جزای نقدی برای نوجوانان متخلف از قانون برای نخستین‌بار در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به چشم می‌خورد (مبالغ مندرج در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به موجب مصوبه هیأت وزیران به شماره ۵۶۲۶۱ در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ اصلاح و تعدیل شده است). یکی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

از دلایل توسعه جزای نقدی در قانون مجازات اسلامی، همسویی این کیفر با موازین فقهی است. با اینکه در بین فقها مشروعیت جزای نقدی به عنوان تعزیر یک مسأله اختلافی است، اما با این حال بسیاری از فقها برای حفظ نظام اسلامی، برقراری نظم و امنیت و تأمین عدالت، ایجاد بازدارندگی مجرم از تکرار جرم، مستند به اطلاقات و ادله عقلی و نقلی قرارگرفتن جزای نقدی در دسته تعزیرات را پذیرفته‌اند (۲۶). نتیجه بررسی پژوهشی از صد پرونده مجتمع قضایی شهید فهمیده تهران بدین شرح بود که پس از قرار موقوفی تعقیب، جزای نقدی بیشترین آرای صادره را به خود اختصاص داده است (۶). جزای نقدی مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، از نوع جزای نقدی ثابت است که دو بند از آن جزای نقدی ثابت دارای حداقل و حداکثر بوده و بند آخر از نوع جزای نقدی ثابت فاقد حداقل و حداکثر است. جزای نقدی ثابت به خصوص جزای نقدی ثابت فاقد حداقل و حداکثر برای نوجوانان گزینه مناسبی نیست، زیرا علاوه بر اثرپذیری شدید از نوسانات اقتصادی، مطابق با مبانی جرم‌شناسی و اصول فردی‌کردن مجازات‌ها و تناسب جرم و مجازات مورد نقد قرار گرفته و منتج به اصلاح مرتکب و پیشگیری از جرم نمی‌گردد (۲۷).

از طرف دیگر، جزای نقدی ثابت یک نوع جزای نقدی مشترک بین نوجوانان و بزرگسالان در نظام حقوقی ایران است، در حالی که انتظار می‌رفت قانونگذار با تکیه بر اصل افتراقی‌سازی دادرسی اطفال و نوجوانان، شیوه اجرایی جدیدی متناسب با اوضاع و احوال خاص نوجوانان در نظر می‌گرفت و معایب اجرای جزای نقدی نوجوانان معارض با قانون را به حداقل می‌رساند.

قانونگذار در بندهای «پ» و «ت» ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، جزای نقدی را در عرض دیگر مجازات‌ها چون نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و خدمات عمومی رایگان قرار داده است. این رویکرد، دست قاضی را در انتخاب نوع مجازات و میزان آن باز می‌گذارد و از نقطه نظر مثبت آن می‌تواند به فردی‌شدن هرچه بیشتر مجازات کمک کند، اما متأسفانه این شیوه قانونگذاری در نظام حقوقی ایران به دلیل کاربرد ضعیف پرونده شخصیت و دانش نسبتاً محدود قضات در حوزه پیراقضایی همچون جرم‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، موجب آشفتگی سیاست جنایی قضایی و تشتت آرای کیفری می‌گردد. بنابراین توصیه می‌شود با فراهم‌کردن فرصت کافی جهت بررسی دقیق پرونده شخصیت مرتکب و ارائه آموزش‌های لازم به قضات از بروز چنین مشکلاتی پیشگیری کرد (۲۸). تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با هدف تخفیف و فردی‌کردن واکنش‌ها وضع شده است. تبدیل مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به اقامت در منزل در ساعات معین یا نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته یک اقدام تخفیفی مرتبط و سازنده است، اما تبدیل جزای نقدی در همین تبصره به واکنش‌های سالب آزادی به ظاهر جنبه تخفیفی ندارد و چه‌بسا اینکه می‌تواند در مواردی مسیر اصلاح و بازپروری فرد را کندتر کند. همچنین این تبصره تنها برخی سطوح از جزای نقدی را دربر می‌گیرد و مبالغ موجود در بندهای «ت» و «ث» مشمول این تبصره نمی‌شوند (۲۹). فارغ از ایرادات و چالش‌های معروض، در خصوص نحوه اجرای جزای نقدی، در گفتار قبل ضمن معرفی شیوه‌های رایج در رفع معایب جزای نقدی، نقاط مثبت و منفی هر روش نیز به اختصار شرح داده شد. حال با توجه به این مطالب قصد داریم تا جایگاه این روش‌ها را در نظام حقوقی ایران بررسی کنیم و ضمن شناسایی چالش‌های اجرایی فعلی، روش منتخب را برگزینیم.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

از میان دو روش ارائه‌شده، جزای نقدی روزانه آسیب‌ها و معایب جزای نقدی را به شدت کاهش می‌دهد و در بسیاری از نظام‌های حقوقی برای رفع ایرادها و چالش‌های اجرایی جزای نقدی به کار می‌رود. با این وجود متأسفانه در حال حاضر، اجرای این شیوه در نظام حقوقی ایران محل اشکال است، زیرا در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این کیفر تنها به عنوان جایگزین حبس بزرگسالان تعیین شده است و بدل‌کردن آن به عنوان جایگزین جزای نقدی ثابت کمی دشوار است. علاوه بر این در رویه قضایی موجود، قضات تمایل چندانی به استفاده از این مجازات ندارند، زیرا در بحث تعیین میزان درآمد و دارایی فرد، فرصت و ظرفیت‌های لازم در دسترس نیست. از طرف دیگر، جزای نقدی روزانه برای افرادی مناسب است که شغل و درآمد مشخصی داشته باشند که نوجوانان معمولاً در این دسته افراد قرار نمی‌گیرند.

اما روش دوم، یعنی کار و خدمات اجتماعی جایگزین، به لحاظ ماهیت با جزای نقدی روزانه متفاوت است. این روش نیز در مرحله اجرا خالی از اشکال نیست، به طوری که یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام حقوقی ایران در اجرای خدمات اجتماعی، نبود سازمان‌های پذیرنده‌ای است که این نوجوانان را به کار بگیرند و بر کار آنان نظارت کنند، اما با این حال از نقاط مثبت این شیوه نباید غافل شد. به علاوه اینکه در ذیل ماده ۵۲۹ قانون آیین دارسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ خدمات اجتماعی جایگزین جزای نقدی پذیرفته شده است و به لحاظ قانونی می‌توان این روش را به رسمیت شناخت (ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری). در اثر اجرای این شیوه، فرد متخلف بایستی تلاش کند تا برای بازگشت مجدد به جامعه، ضمن پذیرفتن خطای خود، درصدد جبران خسارات وارده به جامعه برآمده و به صورت داوطلبانه با انجام اموری به نفع جامعه، به یک فرد مسئولیت‌پذیر و فعال تبدیل شود. همچنین این اقدامات می‌توانند زمینه مساعدی برای ایجاد تحولات مثبت در مرتکب و تبدیل وی از فردی فاقد مهارت به شخصی مولّد و مفید را فراهم کنند و با درمان فرد جهت فهم و درک اقدامات خود و پذیرش مسئولیتِ صدمات و زیان‌های وارده، مؤثر واقع شوند (در این باره، ذکر این نکته مفید است که قرار التزام ولی یا سرپرست قانونی یا شخص ثالث همراه با تعیین وجه التزام، علاوه بر تضمین معرفی کودک یا نوجوان در مواعد مورد لزوم به قاضی، برای جبران ضرر و زیان بزه‌دیده نیز مؤثر است، زیرا به استناد ماده ۲۳۳ ق.آ.د.ک ضرر و زیان بزه‌دیده، در صورتی که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد، از وجه التزام مأخوذه ولی یا سرپرست قانونی یا شخص ذی‌صلاح قابل جبران است. چنانچه قرار تأمین صادره، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، افزون بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود) (۳۰). در واقع، تبدیل جزای نقدی به کار و خدمات اجتماعی از این منظر که خطر محکومیت فرد به زندان را کاهش می‌دهد و نیز تا حدودی به لحاظ اقتصادی بر خانواده مرتکب مفید است، در جهت رفع معایب جزای نقدی توصیه می‌گردد (۷). همچنین این روش موجب رعایت مصالح عالیه کودک (The Best Interest of the Child)، رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها، ایجاد بازدارندگی کافی و حتمیت در اجرای حکم خواهد شد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

در بحث اخیر ممکن است این پرسش مطرح شود که تفاوت حکم به جزای نقدی و خدمات اجتماعی در اینکه در هر دو حکم، نوجوان وادار به کارکردن می‌شود و ممکن است سلامت جسمی و روحی او به خطر بیافتد در چیست؟ در پاسخ باید خاطرنشان کرد که در حکم به خدمات اجتماعی، نوجوان معارض با قانون تحت نظارت مرجع قضایی به کار واداشته می‌شود، در حالی که در حکم به جزای نقدی، معمولاً نظارتی بر مرتکب در انتخاب نوع کار نیست و چه‌بسا اینکه نوجوان در این مسیر به کارهای نامشروع روی بیاورد، به علاوه، در حکم به خدمات اجتماعی، دادگاه تلاش می‌کند تا در راستای مصلحت نوجوان و اصلاح و بازپروری او، خدمات اجتماعی مقتضی برگزیند، در حالی که در حکم به جزای نقدی چنین نیست و مرتکب در انتخاب نوع کار و چگونگی کسب درآمد مختار است. بنابراین انتخاب نوع خدمات اجتماعی بسیار حائز اهمیت است، به طوری که بی‌توجهی به این مسأله بدون لحاظ اوضاع و احوال نوجوان ممکن است به مصلحت وی نباشد و احتمال عدم رضایت او به پذیرش خدمات و یا عدم انجام صحیح خدمات را افزایش دهد.

فارغ از خدمات اجتماعی جایگزین، استفاده از نهاد تعلیق کیفری در پرونده‌های محکومیت نوجوانان به وفور به چشم می‌خورد. مستند به ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، امکان تعلیق اجرای مجازات در تمامی جرائم تعزیری ارتکابی توسط نوجوانان وجود دارد. قضات با تکیه بر این ماده و با آگاهی از مشکلات اجرایی جزای نقدی، حکم به تعلیق اجرای مجازات می‌دهند و ضمن حکم تعلیق، با استفاده از تدابیر مقرر در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، به روند اصلاح و درمان نوجوان کمک می‌کنند. برای نمونه، در دادنامه‌ای به شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۷۹۲۸۲۱۱ صادره از شعبه چهار دادگاه اطفال و نوجوانان مجتمع قضایی شهید فهمیده تهران، ضمن انتساب رفتار مجرمانه مصرف مسکر به نوجوان، وی ابتدا به جزای نقدی محکوم می‌شود، اما در ذیل رأی، این تصمیم در راستای رعایت مصلحت نوجوان به تعلیق کیفری درمی‌آید. همینطور در دادنامه‌ای دیگر به شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۰۲۵۹۲۹۵۳ صادره از شعبه سوم دادگاه اطفال و نوجوانان مجتمع قضایی شهید فهمیده تهران، دو نوجوان به موجب سرقت و رانندگی بدون پروانه به جزای نقدی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شوند، اما این محکومیت نیز به تعلیق مراقبتی در می‌آید (۳۱). افزایش پرونده‌های منتهی به تعلیق جزای نقدی نمایانگر آگاهی قضات از معایب جزای نقدی و تلاش در استفاده حداقلی از آن در محکومیت نوجوانان است. این رویه با نتیجه حاصله از این پژوهش مطابقت دارد که امید است در آینده نزدیک شاهد فراگیرشدن آن و تلاش حداکثری قضات سراسر کشور در جایگزینی جزای نقدی نوجوانان با خدمات اجتماعی و تدابیر جایگزین باشیم.

لازم به ذکر است که اتکای صرف به مدل عدالت ترمیمی و تدابیر آن چون خدمات اجتماعی همواره اثربخش نیست و گاهی ما را به بن بست می‌کشاند، چه‌بسا که این مدل از تضمینات کافی برخودار نیست و همانطور که ورود به آن اختیاری است، نقض آن نیز به سهولت صورت می‌گیرد و مرتکب می‌تواند به راحتی از اجرای توافقات حاصله سر باز زند. با چنین توجیهاتی، به نظر می‌رسد بهترین روش و الگو در اجرای جزای نقدی نوجوانان در ایران، روشی است که در آن ترجیح بر استفاده از جایگزین‌هایی چون خدمات اجتماعی است و شیوه‌های عدالت کیفری برای تضمین اجرای خدمات اجتماعی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. دنبال‌کردن این سیاست، مستلزم طی‌کردن مراحلی است که بخشی از این مراحل

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

با استمداد از مقررات نظام حقوقی آفریقای جنوبی در گفتار پیشین پیشنهاد می‌گردد. قدم اول، الزام قانونی قاضی دادگاه به بررسی وضعیت مالی نوجوان و تضمین تناسب جزای نقدی با رفتار ارتکابی او است (۳۲)، البته پیش از چنین الزامی باید سازوکار و امکاناتی فراهم شود که قاضی دادگاه با توسل به آن بتواند پیش از صدور حکم، تا حدودی از وضعیت مالی نوجوان آگاهی پیدا کند و با عنایت به این مسأله در خصوص حکم یا عدم حکم به جزای نقدی تصمیم‌گیری نماید.

پس از انجام این مرحله، دو فرض متصور است. یکی عدم استطاعت و دیگری استطاعت نوجوان برای پرداخت است. در فرض اول، قاضی دادگاه قانوناً باید مکلف شود که از جایگزین‌هایی چون بازپرداخت نمادین یا خدمات اجتماعی استفاده کند. پیش‌بینی مأمورانی جهت نظارت بر اجرای این تصمیمات و گزارش وضعیت نوجوان به دادگاه، به اجرای هرچه کامل‌تر تصمیمات و کارآمدی آن‌ها کمک می‌کند. هشدار دادگاه به نوجوان جهت پایبندی به اجرای خدمات جایگزین، اتمام حجتی است که نوجوان را برای اجرای خدمات متعهدتر می‌سازد. حال چنانچه این جایگزین‌ها به هر دلیلی اجرا نشد یا نوجوان بر سر انجام آن‌ها توافق نکرد، قاضی بایستی حکم به پرداخت جزای نقدی بدهد و تا حد امکان استفاده از ابزارهای تخفیفی چون تقسیط یا ارائه مهلت پرداخت را تسهیل کند. در ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، امکان تقسیط جزای نقدی مشروط به احراز توان پرداختی و ارائه تضمین مناسب پذیرفته شده است که تفکیکی بین بزرگسال و نوجوان در این باره ملاحظه نمی‌شود (در رأی وحدت رویه شماره ۶۶۸ مورخ ۱۳۸۳/۰۷/۱۴ امکان تقدیم دادخواست اعسار و تقاضای تقسیط محکومیت مالی راساً توسط افراد زیر هجده سال نیز مورد پذیرش قرار گرفته است). اگر مرتکب تقاضای مهلت نماید، با توجه به ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار دادن مهلت پرداخت را در این ماده پیش‌بینی نکرده است، اما بعضی اعتقاد دارند که اعطای مهلت خلاف ماده اخیر نیست و مرتکب با تقاضای مهلت قصد پرداخت جزای نقدی را دارد. بررسی تقاضای وی نیز با دادستان می‌باشد (۳۳).

در نهایت، اگر هیچ یک از راهکارهای اخیر جوابگو نبود، مجازات‌های سالب آزادی به عنوان گزینه آخر، راهگشا خواهد بود. برای پیشگیری از حبس‌شدن نوجوان یک راه قانونی وجود دارد. ماده ۵۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «سایر مقررات و ترتیبات راجع به اجرای محکومیت‌های مالی تابع قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است.» پس از آنجا که این قانون در مبحث اعسار از پرداخت جزای نقدی ساکت است، باید به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ مراجعه کرد. طبق ماده ۳ این قانون در صورتی که محکوم علیه معسر از پرداخت جزای نقدی باشد، حبس نمی‌شود. همچنین معسر در ماده ۶ این قانون به عنوان کسی که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد، تعریف شده است. بنابراین محکوم علیه می‌تواند ادعای اعسار کند. حال سؤال اینجاست که آیا نوجوان اهلیت اقامه این دعوا را دارد؟ از آنجا که در ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بیان شده که دعوای اعسار غیر مالی است، پس فرد برای اقامه این دعوا نیاز نیست که به رشد رسیده باشد و به شرط داشتن عقل و بلوغ می‌تواند این دعوا را اقامه نماید (۱۵).

اما در فرض دوم در جایی که نوجوانی تمکن مالی کافی برای پرداخت داشته باشد، باز هم قاضی باید با استناد به معایب اعمال جزای نقدی بر نوجوانان و خلأهای قانونی موجود در قوانین ایران برای اجرای جزای نقدی بر فرد

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

زیر ۱۸ سال، اصل را بر جایگزین‌کردن جزای نقدی با تدابیر جایگزین بگذارد و تنها در صورت وجود مصلحت نوجوان و عدم امکان اجرای روش‌های جایگزین، حکم به جزای نقدی بدهد.

در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در قانون مجازات اسلامی برای تبدیل مجازات، ضوابط خاصی تعیین شده که باید مطابق آن‌ها عمل کرد. برای مثال، تبدیل حبس به جزای نقدی در مقام تخفیف مجازات ممکن نیست و تنها طبق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان حبس را تقلیل کرد. در همین راستا، برای تبدیل جزای نقدی به مجازات‌های جایگزین و خدمات اجتماعی هم مقررات خاصی لازم است که امید است در آینده‌ای نزدیک این مقررات به طور ویژه برای نوجوانان معارض با قانون وضع گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

در هر کجا نامی از جرم و قانون‌شکنی برده می‌شود، استفاده از ابزارهای تنبیهی و مجازات‌ها نخستین واکنش‌هایی هستند که به ذهن متبادر می‌شود، گویی که این‌ها دو پدیده غیر منفکّ و جدایی‌ناپذیر هستند. در میان تمام مجازات‌ها، دو مجازاتِ زندان و جزای نقدی با هم ارتباط نزدیکی دارند. جزای نقدی در واقع برای جلوگیری از بروز آسیب‌های زندان و حبس به کار گرفته شد و تا به الان طرفداران زیادی پیدا کرده است.

جزای نقدی به موجب منافع متعددی که به دنبال دارد، تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی نسبت به بزرگسالان اجرا می‌شود، اما در خصوص نوجوانان، مسأله کمی متفاوت است و احتمال آسیب به نوجوان در استفاده از این مجازات به دلیل فقدان منبع مالی برای پرداخت افزایش می‌یابد. با این حال برخی از دولت‌ها از جمله ایران با توجیه محاسن این کیفر چون بی‌خطربودن و کمتربودن آسیب و فساد نسبت به زندان، زودگذربودن، عدم ننگ‌آوری، محروم‌نکردن فرد از محیط خانواده و مدرسه، بازدارندگی خاص در جرائم مالی و درآمدزایی برای دولت قائل به اثربخش‌بودن جزای نقدی نسبت به این قشر از جامعه بوده و آن را در پاسخ به برخی جرائم به کار می‌بندند. در سطح بین‌الملل شاهد روش‌های مختلفی برای رفع چالش‌ها و معایب جزای نقدی نوجوانان هستیم که در این پژوهش، در قالب دو مدل عدالت کیفری و عدالت ترمیمی، به شاخص‌ترین روش‌ها اشاره شد. سرانجام نحوه اجرای جزای نقدی نوجوانان در حقوق کیفری ایران مورد پژوهش قرار گرفت و مدل و روش اجرایی کارآمدتر برای اعمال جزای نقدی پیشنهاد گردید. در این پژوهش از روش توصیفی ـ تحلیلی بهره جستیم و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و قوانین و مقررات ایران و سایر دولت‌ها به چالش‌های اخیر پاسخ دادیم.

در خصوص انواع روش‌های جایگزین‌کردن جزای نقدی نوجوانان، در این مجال به جزای نقدی روزانه در الگوی عدالت کیفری و روش کار و خدمات اجتماعی جایگزین در الگوی عدالت ترمیمی پرداخته شد. هر یک از این روش‌ها با توجه به کارکردهای الگوی خود، دارای جایگاه خاصی هستند. حقوق کیفری ایران با پذیرش جزای نقدی از نوع ثابت، شیوه اجرایی خاصی برای وصول آن از نوجوانان پیش‌بینی نکرده است.

مقایسه و ارزیابی روش‌های اجرای جزای نقدی به این نتیجه منتهی شد که بهترین مسیر و گزینش در اجرای جزای نقدی نوجوانان، اصل قراردادن خدمات اجتماعی جایگزین یا تدابیر جایگزین به عنوان جلوه‌ای از الگوی عدالت ترمیمی و سپس استفاده از شیوه‌های عدالت کیفری چون حکم به جزای نقدی یا حبس برای تکمیل و تضمین الگوی عدالت ترمیمی است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

بر این اساس با تبعیت از قانون عدالت کیفری اطفال آفریقای جنوبی مصوب سال ۲۰۰۸، شیوه اجرایی پیشنهادی طی مراحل ذیل ارائه شد. در بادی امر، در قانون باید با رعایت اصل تناسب جرم و مجازات، جزای نقدی در جرائمی خاص و متناسب با کارکرد این کیفر و همچنین ملاحظه اوضاع و احوال نوجوان به کار رود، سپس باید زمینه و امکاناتی برای قاضی در قانون و عمل پیش‌بینی شود که وی الزاماً وضعیت مالی ـ معیشتی نوجوان را قبل از صدور حکم در نظر بگیرد و سپس در صورت ناتوانی نوجوان از پرداخت، از خدمات اجتماعی و تدابیر جایگزین بهره ببرد. همچنین به نوجوان هشدار دهد که عدم تبعیت از تدابیر اتخاذی موجب بازگردانده شدن وی به دادگاه جهت رسیدگی خواهد شد. پیش‌بینی یک مددکار یا مأمور نظارتی ویژه برای بررسی میزان پایبندی نوجوان به حکم و گزارش وضعیت نوجوان به دادگاه نیز لازم به نظر می‌رسد. حال چنانچه اجرای این جایگزین‌ها ممکن نبود یا مورد توافق قرار نگرفت، جزای نقدی باید با لحاظ تخفیفات قانونی مورد حکم قرار گیرد. سرانجام اگر این راه نیز جوابگو نبود، مجازات سالب آزادی قابل اجرا است. از طرف دیگر در صورت تمکن مالی نوجوان نیز باید اصل بر استفاده از تدابیر جایگزین و خدمات اجتماعی باشد و صرفاً در صورت وجود مصلحت نوجوان، جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد، چراکه معایب اعمال جزای نقدی بر نوجوان و چالش‌های حقوقی ایران از جمله عدم رشد نوجوان برای تصرف در اموال خود و محدودیت کار نوجوان، موجد موانع اجرایی بسیاری است. گذار از الگوی عدالت کیفری به سمت الگوی عدالت ترمیمی به میزان تکامل جامعه، وجود نهادهای مدنی، تشکیل نهادهایی برای نظارت ویژه بر اجرای حکم و یک نظام اخلاقی انعطاف‌پذیر بستگی دارد که امید است در آینده‌ای نزدیک چنین رشد و تکاملی حاصل شود.

توجه به حق بر سلامت روان بر مبنای راهبرد حقوق بشرمدار، امری ضروری در بستر سیاستگذاری جنایی اطفال بزهکار تلقی می‌گردد، همچنانکه توجه به سلامت روان کودکان و نوجوانان یکی از محورهای اصلی افتراقی‌سازیِ این نظام و پیش‌بینی ساختار، کنش‌گران و پاسخ‌های حمایتی است. به موازات جرم‌انگاری علیه انواع نوپدید خشونت روانی و خشونت اجتماعی علیه کودکان و نوجوانان، از خشونت روانیِ ناشی از پاسخ‌های کیفری (و حتی برخی پاسخ‌های ترمیمی اما نامتناسب) بر کودکان و نوجوانان نیز نباید غافل شد و نباید بزه‌دیدگیِ روانیِ آنان در کیفرهای قانونی، اما نامناسب را مغفول داشت. کودکان فقر را در سه بُعد محرومیت مادی، محرومیت اجتماعی و محرومیت عاطفی درک می‌کنند و دختران و پسران همزمان تجربه‌های مشابه و متفاوتی از ابعاد فقر دارند. فقر هم عامل نابسامانی روانی جرم‌زا در آنان است و هم محکومیت‌های مالیِ نامتناسب با وضعیت نوجوانان بزهکار ممکن است با تحمیل فشار مالی شدید برای پرداخت مبلغ مورد محکومیت، چرخه فقر و چرخه آسیب روانی را در آنان بازتولید کند.

ثمربخشی یافته‌های پژوهش در گرو الحاق برخی مواد و تبصره به قوانین جزایی ایران است که در ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱ـ در خصوص ماده ۵۲۹ قانون آیین دارسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ توصیه می‌شود مقنن در جهت افتراقی‌سازی رسیدگی، مقرره ویژه‌ای در مورد نوجوانان متخلف از قانون تدوین کند و در تبدیل جزای نقدی در تمامی سطوح تنها از جایگزین‌های غیر حبسی مثل خدمات عمومی رایگان نام ببرد و از جایگزینی به نام حبس بدل از جزای نقدی تنها به عنوان آخرین راه حل و در موارد حداقلی استفاده نماید. مستند این بحث، ماده ۱۹ حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات بیجینگ) است که بیان می‌دارد: «فرستادن نوجوان به یک مؤسسه نگهداری باید همواره به عنوان آخرین راه چاره و برای حداقل مدت زمان لازم باشد.»

۲ـ شایسته است بخشی از تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در خصوص تبدیل جزای نقدی است، حذف و به جای آن تبصره ذیل به ماده الحاق گردد: «تبصره ۳: دادگاه مکلف است پیش از حکم به جزای نقدی، از توانایی نوجوان به پرداخت آن اطمینان حاصل کند. استطاعت مالی برای پرداخت و وجود مصلحت نوجوان از شروط حکم به جزای نقدی هستند، در صورتی که فرد ناتوان از پرداخت جزای نقدی باشد، دادگاه مکلف به تبدیل جزای نقدی به خدمات عمومی رایگان یا تعلیق اجرای مجازات است و به نوجوان آثار عدم پایبندی به اجرای حکم جایگزین را هشدار می‌دهد. چنانچه اِعمال تدابیر جایگزین مورد توافق قرار نگرفت یا به طور کامل اجرا نشد، دادگاه ضمن حکم به جزای نقدی می‌تواند از تخفیفاتی از قبیل تقسیط جزای نقدی یا ارائه مهلت پرداخت استفاده کند. در صورت فقدان هیچ‌گونه راهکاری نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بدل جزای نقدی می‌شود.»

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Heydari SM. Financial Penalties in Iranian Criminal Law. Master's Thesis. Mazandaran: Faculty of Law and Political Sciences, Mazandaran University; 2016. p.31. [Persian]

2. Jouyandeh A. Criminological Foundations of Financial Penalties in Islamic Penal Code. Master's Thesis. Shiraz: Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz University; 2013. p.88. [Persian]

3. Alizadeh Y. Examining the penalty of fine from the perspective of economic jurisprudence. Economic Jurisprudence Studies. 2022; 4(3): 117-129. [Persian]

4. Najafi B. Check the Punishment of a Fine Split in The Iranian Legal System. Journal of Civil & Legal Sciences (Ghanonyar). 2017; 1(1): 71-80. [Persian]

5. Janipour A, Amiri A. Advantages, Disadvantages, and Methods for Addressing the Disadvantages of Financial Penalties. Shiraz: National Conference on Humanities; 2016.

6. Sorkheh M, Zaeri N, Karimi MJ, Dindarvandrad A. The challenge of monetary punishment and its alternatives in juvenile crimes. Tehran: National Conference of Human Sciences; 2017. p.1-23. [Persian]

7. Abdolmaleki H. Examination of Financial Penalties in Iranian Law. Master's Thesis. Tehran: Criminal Law and Criminology, University of Tehran; 1997. [Persian]

8. Moazenzadegan HA. Criminal Procedure for Children and Juveniles. Tehran: Samt Publications; 2024. p.191. [Persian]

9. Hoseini E, Shamloo B. The Right to Mental Health of Juvenile Delinquent in the Light of Differential Criminal Justice. Legal Research Quarterly. 2021; 23(92): 71-96. [Persian]

10. Kokabisaghi F. Children's Right to Health and Protection in Iran; Domestic Implementation of International Laws. IJMEHM. 2020; 13: 403-417. [Persian]

11. Bashiriyeh T. Encyclopedia of Criminal Justice for Children and Adolescents: International Perspectives, Models and Trends. Tehran: Negah-e Mo'aser Publications; 2018.pp.72, 205, 396, 508, 524. [Persian]

12. Nourbaha R. The field of general criminal law. Tehran: Dadafarin Publications; 2009. p.370. [Persian]

13. Kunz N, Yoon S. Non Judicial Adjustment Juvenile Financial Sanctions (A Guide for Policy and Reform for Pretrial Diversion in Utah's Juvenile Justice System). Policy Report. 2022; 1-46.

14. Hemmati M. Executive Regulations of Fines in Penal Laws of Iran and England. Journal of Legal Research. 2012; 11(21): 177-191. [Persian]

15. Sadeghi Niaraki AR. Challenges of Implementing Legal Sanctions on Children at the Stages of Issuing and Enforcing Criminal Judgments. Master's Thesis. Tehran: Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran; 2019. p.130, 133. [Persian]

16. Mohammadpour N, Alizadeh Aghdam MB. Comparative study of restorative justice and criminal justice based on the approach of legal sociology. Journal of Socio-Cultural Changes. 2011; 7(28): 1-18. [Persian]

17. Gist N. How to use Structured Fines (Day Fines) as an intermediate sanction. Washington, DC: Bureau of Justice Assistance; 1996. p.2.

18. Ashouri M. Alternatives to imprisonment or intermediate sanctions. Tehran: Jahesh Publications; 2020. p.371-372. [Persian]

19. Hosseini Nejad Braguri F, Nazarinejad MR, Janipour M. Considerations about Daily Fines and Earning of the Offender. Journal of Criminal Law Reseach. 2023; 11(41): 71-97. [Persian]

20. Smith C. Restitution by Juveniles. Washington, DC: Bureau of Justice Assistance; 1988. p.1.

21. Rahami M. Restorative Justice in Iranian Postrevolutionary Criminal Law. Private Law Studies. 2007; 74: 149-177. [Persian]

22. Ahmadi B. Concepts and methods of implementing restorative justice in the bill of social punishments instead of prison. Gawah Legal Quarterly. 2008; 11: 37-39. [Persian]

23. Gholami H. Patterns or Types of Criminal Justice for Children. Criminal Law Doctrines. 2014; 6: 89-106. [Persian]

24. Nazerzadeh Kermani F, Imami Ghaffari Z. Assessment Practices and Attitudes of Pediatric Tehran Court Judges to Jail Alternatives. Journal of Judicial Law Views. 2014; 19(65): 157-180. [Persian]

25. Abouzari M. An Analytical Study on Alternative Punishment for Juvenile Delinquency. Child Rights. 2019; 1(2): 133-154. [Persian]

26. Habibi DA. Foundations of Pecuniary Punishment in both Shi'a and Sunni fiqh. Journal of Islamic Government. 2017; 22(1): 87-116. [Persian]

27. Heydari N, Ranjbar Alvar Olya R, Vakilzadeh R. The basics of repetition and multiplicity of crime in

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

relative monetary punishment. Jurisprudential Principles of Islamic. 2022; 14(1): 1-27. [Persian]

28. Sabooripour M. Systematizing the Sentencing in Discretionary Punishments in Iranian Law. Criminal Law and Criminology Studies. 2018; 48(1): 123-143. [Persian]

29. Soudmandi A, Farnam H. Approaches, Criteria and Challenges of Adjusting Fine in the Iranian Criminal System. Criminal Law Research. 2021; 12(2): 209-236. [Persian]

30. Gholami H. Restorative Justice. Tehran: Samt Publications; 2013. p.107. [Persian]

31. Torabi M. Requirements and Necessities of Juvenile Criminal Judgments with Emphasis on Analyzing Judicial Procedures. Master's Thesis. Tehran: Juvenile Criminal Law, Allameh Tabatabai University; 2021. p.46, 76. [Persian]

32. Hillsman ST, Mahoney B, Cole GF, Auchter B. Fines as Criminal Sanctions. Washington, DC: National Institute of Justice; 1987. p.7.

33. Abedi AR. Execution of criminal sentences. Tehran: Judiciary Publications; 2024. p.93. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.